

متن پرسش

سلام علیکم: وقتی گفته می شود حکمت متعالیه، این حکمت موضوعش که محور و کانون همه مباحث است باید متعالی باشد و موضوع حکمت متعالیه که وجود است باید از وجودی که مشاء و اشراق می گوید متفاوت باشد این وجودی است که مساوق وحدت است و با تعالی از مرحله فلسفه عبور کرد و عدل مرتبه عرفان شده است آیا این ادعا درست است؟ دوم مرحوم صدرالمتالهین (ره) با مطرح کردن اصالت وجود مخاطب را از ذهنیات به حقایق خارجی متوجه کرده است حال چطور می توان در مقام انتقال علوم از ذهنیات خلاص شد و با حقایق خارجی علوم را فهمید و دوباره در دام ذهنیات نیفتاد و دیگر سراغ ماهیات نرفت؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. جناب صدرا با طرح اصالت وجود از فلسفه عبور نکردند بلکه با چنین نگاهی حتی عرفان با شخصیتی عقلانی به میدان آمد. ۲. وقتی نظر به «وجود» باشد و به تشکیکی بودن آن، بر هرچه می نگری آن را در حیطه وجود می یابی. موفق باشید